**“**خرافاتیامقدسات**”**

این مقاله در رد یا تایید هیچیک از افسانه ها، داستانها و روایات اساطیری مذاهب نبوده و قضارت بعهده مردم ست. با مشاهده رفتار و اعمال غیر انسانی و شیطانی رهبران مذهبی، این سوال از قدیم الایام مطرح بوده که مذهب دستورات خالق ست یا شیادی شیاطین و دین فروشان؟

سخن نه در اثبات خدا و پیغمبران، که در شرح تطبیقی دستورات کتب پیامبران با وقایع بعد از فوت آنهاست، یعنی زمان ظهور مدعیان جانشینی، شیادانی با یکدست کتاب مقدس و دست دیگر شمشیر، در کلام سفارش به خدا و نیکی, و در عمل پیروی شیطان، شر، فساد، جنایت، نقاق، فریب و بهره کشی از عوام با شعارهای زیبای رساندن انسان بمقام والای انسانیت؛ و هدف انحصار قدرت و ثروت، و نتیجه، ظهور اثار مخرب سقوط ارزشهای اخلاقی، اضمحلال فرهنگی، رشد فقر و سیاه روزی عوام و جامعه.

شواهد متقن تاریخی نشان از واقعیت مضحک و مشمئزکننده شباهتوهمپیالگیرژیمهایدیکتاتوریخداباورباحکومتهایکمونبستیخداناباور دارد. به بیان دیگر، تئوریپردازانکمونیستوفقیهانمذهبیدوروییکسکهمندرس،مستهلکوبیاعتبارندکه با عوامفریبی سعی در بهره کشی از عوام و نیل به اهداف ضد انسانی خود با توسل به نفاق، فساد و جنایتند. یکی جنایت در راه خدا و دیگری قاتل خداباوران. جمع اضداد نتیجه ای جز سیاه روزی عوام ندارد.

نظری ساده در تاریخ پرفراز و نشیب کشور نشان میدهد که ردپای فقیهان در امور مملکتی نتیجه ای جز فقر و بدبختی کشور و مردم نداشته است، فقیهان، برخلاف شعارهای عوامفریبانه مبارزه با کمونیست، امپرالیسم و استعمار، هرکدام دست نشانده و مواجب بگیر یکی از قدرتهای خارجی بوده اند. جماعتی فرصت طلب و بدنبال مطرح کردن خود، بی نزاکت، فحاش، تشنه دستبوسی و چاپلوسی، خودبزرگ بین و بدنبال منافع و موقعیت خود و مریدان. در اسناد محرمانه سازمان اطلاعات امریکا، عنوان میشود که، کاشانی چندین مرتبه برای مطرح کردن خود بآنها تماس گرفته و عنوان نموده “من شخص عادی نیستم، من رهبر جهان اسلامم که باید جدی گرفته شود”؛!

حمایت اوباش هر زمان از فقیهان نقل عام و خاص است، زمانی شعبان بیمخها و طلبه های بیسوادی چون نواب صفوی و امروز امثال تتلو، زمینخواران و اختلاسگران مداح و بسیجی و طلبه های لباس شخصی غرق در فساد اخلاقی.

از همه مهمتر جنگ و فحاشی فقیهان با یکدیگر است برای کسب عنوان رهبری جهان اسلام دراوج حب دنیا و پیروی هوای نفس! و رسوا کردن همدیگر با بیان فساد و واقعیتهای تلخ پنهان.

ولی این داعیه داران شریعت و دست اندرکاران حکومتی حوزه های علمیه با همه اختلف نظرهای ظاهری، در حیف و میل و غارت بیت المال، نگه داشتن عوام در نادانی و خرافات، و نفاق و جنایت بنام خدا و مذهب متفق النظرند، و انرا عین ثواب میدانند.

مهدی ملکزاده در شرح زمان مشروطه میگوید:

“هریک از روحانیان هزارها اوباش و عوام بد سابقه را که لباس روحانیت برتن کرده بودند بنام طلاب با ماهانه کمک خرج دور خود جمع کرده بودند. بطور مثال، اقانجفی معروف با آنکه سواد زیادی نداشت حدود ۵۰۰۰ طلبه داشت که برای اجرای اوامرش حاضر بودند و چون قشونی در تمام شئون زندگی مردم، زندگان و حتی مردگان مداخله می‌کردند. چون ثروتمندی میمرد تمام هستی اورا بنام سهم امام ضبط و مابین خود قسمت می‌کردند”.

انگشتشمارانسانهایوارستهوناشناختهایهمچون ملاحسننایینی (از معاصر اقا نجفی)، آیتاللهالعظمیمرعشینجفی و علامهبزرگطباطبایی در خیل عظیم فقیهان تاجر دین بچشم میخورند که بانحاء مختلف از حوزه های علمیه طرد شده اند. این بزرگان، نه به بهانه تقویت اسلام و شیعه در بیت المال دخل و تصرف کردند، نه به بهانه حفظ ابروی اسلام و خدا دروغ گفتند و نفاق کردند، نه پیشکش و تحفه ای قبول نمودند، نه تخیلات مالیخولیایی ادعای رهبری جهان اسلام داشتند و نه به جمهوری اسلامی و برقراری حکومت اسلامی رای دادند. زهد و ساده زیستی اینان زبانزد است، در کنار مردم زیستند و یاور و کمک محرومان بودند، بزرگانی که رفتن به حج واجب با پول بیت المال را بر خود حرام کردند، سالکانی که همانند کشاورزان ساده برای گذر زندگی تلاش نمودند، کهسِِّرخدامستتراستومقربینشگمنام.

عوامنفهمیدندکهانسانیکهخداافریدموجودیهوشمندوبالغاستونبایداسیرخرافاتواسطورههاینادانی تاریخشود**.** تنهاتفاوتانسانهاازمنظرجایگاهومقامتکاملیمخلوقات،علم،عملنیکووپاکیدرونست.

شروعداستانخلقتانسان **…**

… و خدا انسان را آفرید و باو علم آموخت ... و بخود مباهات کرد (مومنون 14، پیدایش ۲۶)

… اطرافیان معترض، تداعی جنایات و فساد انسانهای خلق شده پیشین، "خونریز و جنایتکار است، فاسد است" (بقره 30)، چرا که آگاه نبودند از آنچه خالق هستی میدانست، … آزمایشی دیگر از خلقت نوع انسان در آزمایشگاه زمین، میلیونها سال آزمایش و خطا.

ولی نسل جدید انسان متفاوت بود، دارایموهبتعقل. تحول بنیادی در ژنها،  قدرتتاملوتفکر داشت، قدرتتشخیص،انتخابوتمیز شر و نیکی، دارای امواج خارغ العاده تفکر قادر به کنترل ژن (۱).

این شروع مسولیت انسان جدید بود و خطبطلانخالقهستیبرتقلیدکورکورانهوردبهانهواهیپیرویبیتعقلازشیاداندرجنایتوفساد...

و خالق هرفردرامسولعملخویش نهاد (164 انعام، ۱۸ فاطر، 15 اسراء، 7 زمر و 38 نجم) ... تا مسولبارگناهخود باشد و نیز بارگناهکسانیکهبدونتفکرپیرویکردهو او را به جنایت و فساد واداشته اند، همه را بدوش گیرد (13 عنکبوت، 25 نحل)، شاید از تقلید کورکورانه پرهیز کند.

خالق بارمسولیت را اضافه و انسانها را خلیفهخوددرزمین قرار میدهد (انعام ۱۶۵، فاطر 39، یونس14، یونس73، نمل 62).

و بانسان ندا داد از هرآنچهخواهیسوالواعتراضکنوبعلمخودبیفزا جز روح، که از فرمان و کار خالق توست (اسرإ 85) چنین بود که فرشتگاننیزبخالقخودمعترض شدند. و خالق میدانست که گروه کثیری از انسانها فساد و جنایت میکنند ولی نعماتخودراازآنانسلبنکردو همه را در شرایط یکسان افرید.

❊ و خدا پیامبرانش را از نوع انسان برگزید تا بندگانش را به پرستش او فراخوانند و ندا داد که اگر بندگان من درباره من پرسند بگو که من انقدربشمانزدیکم که صدا و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند میشنوم  و اجابت می کنم (بقره 186)، پس تنهامرابپرستیدوتنهاازمنمددبجویید (حمد 5).

زمان بازی شیطان درصحنه با تمرد و سرکشی به خالق فرا رسید، نقشی که برای او قلم خورده بود. و ابلیس قسم یاد کرد که انسان را گمراه کند و تفرقه بیاندازد.

شيطان هيچ راه و رخنه اي مطمئن تر و موثرتر از جدايي بين انسان ها نداشت، میدانست که اکثر انسانها از نعمت عقل بهره ای نمیبرند ... و چنین شد که گروهیبدورکعبه،گروهیمقابلندبه،گروهیصلیببردوش، .... و برای هرکدام دین و آیین و پیامبرشان را برترین و تنها راه رسیدن به خالق جلوه داد ... و ریختن خون دیگران را رضای خدا و تنها راه سعادت و کلید بهشت ... و مذهبشدبهترینومقدسترینبهانهتفرقه،فتنه،جنگوخونریزی. و شروع تجارتپرسودوبیخطرشیادان، امامزاده های بدون جسد، بقعه ها، قدمگاه ها، دعانویسان، سیدهای باطن دار، مهر و تسبیح چین بنام کربلا …. و برای هرکدام صدها حدیث و روایت جعلی.

❊ و خالق بانسان هشدار داد که شيطان دشمن توست (5 یوسف)، شيطان اغواگر و گمراه كننده است، (ص ۱۸۲، انعام121)زشتیهارازینتودرنظرزیباجلوهمى دهد (24 نمل، انعام،43 محمد25) ایجاد کینه،دشمنی،فتنه و فساد میکند (اسراء53، مائده 91).

انسان با اغوای شیطان و دزدی بیت المال بزیارت کعبه رفت و خوشنود که خدا را اطاعت و شیطان را سنگ زده، و ندانست که شیطاندروجوداوست، … و خدادرکناریتیمانوکودکانکاراست،، در روستایبدونمردسیستان، در خانهکولبرانغیور کرد، در کنارمادرانداغدیده و بیخبر از سرنوشت عزیزانشان، در سفرهخالیکارگران زحمتکش، آری خدادرایراناست،درکنارتوودروجودت.

❊ و خالق گفت بلندمرتبه ترین بنده من با تقوی ترین انهاست و خلوص رمز قبولی عبادتست و عبادت سجده و نماز محض نیست، که اگر میخواستم همه همانند فرشتگان سجده میکردند و تمام خلايق را (به قهر) يک فرقه مؤمن قرار مي‌دادم (شوری ۸). چرا که عبادت به نیکی و کمک به یکدیگر است.

و باز شیطان از طریق شیادان هرانچه خدا بر مراقبت و صفای باطن توصیه نمود به جلای ظاهر تغییر داد، مهر داغ بر پیشانی، ثواب رنگ و طول محاسن، …

❊ و خالق گفت پیامبران همانند دیگر بندگانند و مسول ابلاغ دستورات به دیگران، و این مژده ای بود که انسان قادر است با نیت و عمل شایسته و خالص بمقام پیامبران و بالاتر صعرد کند (کهف ۱۱۰)

و شیطان رسیدن باین مقام را ناممکن جلوه داد و شروعی بر انحراف انسان از خالق خود، و تجارت شیادان با توسل به مقبره ها …

❊ و خدا گفت دزدی و خیانت نکنید، دروغ نگویید، از نفاق و شیادی پرهیز کنید، عدالت و حقوق یکدیگر را پاس دارید  حق نیازمند را از سفره خود بپردازید و مبادا به حق یتیم نزدیک شوید.

و باز شیطان … شیادان عوام را فریب دادند که اگر حرام برای رضای خدا و تقویت دین باشد حلال ست. و چنین شد که حرام خدا حلال و حلال خدا برای عوام ساده لوح حرام شد.

* و خدا گفت مردگانتان را بخاک بسپارید و برایشان امرزش بطلبید که محتاج دعا و خیرات شمایند.

و شیطان … شیادان عوام را برای قضای حاجات به بقعه ها و امامزاده ها فراخواندند …

❊ و خالق هستی مردم را بارها به تفکر و تعقل امر کرد، و در کنار آن به مشورتبااولیالبابواولواالعلم، عالمون و عالمين ،الذين يعلمون ،الذين اوتوا العلم خردمندان و کسانی که در کسب علم تلاش میکنند، الراسخون في العلم کسانی که ثابت قدم در آموختن و آموزش علمند، ،اولي الابصار صاحبان فهم و درک، قوم يعملون، قوم يعقلون ،قوم يتفکرون، صاحبان علم و معرفت، و بزبان امروزی دانشمندان، محققین، مخترعین، شکافنده های علم، متخصین هر فن و رشته (بقره 269 و 197 ، ال عمران 7، رعد19، ابراهيم 52، ص 29، و مائده 100، طلاق ۱۰)

و خدا گفت اولی الالباب نیز باید پند گیرند، و این همان ارتقاء علمی با مشورت و یادگیری مداوم است (ابراهیم ۵۲) و تذکرات من تنها به درد خردمندان می خورد زیرا در تذکره ها (ال عمران ۷) و در آیات قرآن تفکر می کنند (ص ۲۹) و خردمندان نسبت به دیگران به رستگاری نزدیک ترند (مایده ۱۰۰)

و شیطان بواسطه شیادان، عوام ساده لوح را به ساحران، جن گیران، فالگیران و دعانویسان هدایت کرد …

* و خالق گفت بدترین مخلوقات نزد من کسانی هستند که تفکر نکرده و از عقل خویش استفاده نمیکنند (انفال ۲۲)

و شیطان تقلید کورکورانه را زیبا جلوه داد و عوام ساده لوح را به بهانه مذهب و پیروی از شیادان تاجر دین به جنگ و قتل عام یکدیگر برانگیخت.

❊ خالق گفت حکومت و پادشاهی مخصوص اوست و پیامبران و اولی الامر (آل عمران ۳۲)، حکومتی که در پرتو آن مردم به حق خود نایل و به حقوق آنها تجاوز و ستم نشود. و شرایط حاکمان یا اولی الامر (۲) را چنین بیان کرد: ایمان، تقوی، عدالت، صلاحیت و تواناییهای علمی و جسمی، عامل بعمل صالح و پسندیده، عفو، ایثار، مشورت با مردم، اجتناب از استبداد و خودکامگی، اجتناب از ظلم و ستم، (نساء ۵۸، اعراف ۲۸، یوسف ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۷۸ و ۷۹، نور ۵۵، آل عمران ۱۵۹، بقره ۲۴۶ و ۲۴۷).

و هواپرستی، بیعدالتی، جنایت و فساد را از موارد ساقط شدن حکومت و حاکمان از مشروعیت دانست (ص ۲۶، نساء ۵۸) و بمردم دستور داد که در صورت ظلم حاکم و اطرافیانش و تلاش آنها برای فساد و تباهی جامعه و نقض حقوق، بر علیه حکومت و حاکم ظالم قیام کنند، (ابراهیم ۲۲) و دستور به برائت و عدم پذیرش طاغوت و حاکم فاسد داد (۳). و اطاعت، مودت، فرمانبرداری، رضایت و خشنودی، میل و رغبت، نزدیکی و چاپلوسی ظالم را شدیدا نهی (هود ۱۱۳) و آنرا مساوی با پرستش و عبادت ظالم دانست (زمر ۱۷) و به دولتمردان هشدار داد که مبادا مصالح مردم را نادیده گرفته و در پی مصلحت و خواسته های خود باشند (ص ۲۶).

و خالق در پاسخ ابراهیم در پیشوایی فرزندانش بر مومنین چنین گفت: “عهد من به ستمکاران نمیرسد” (بقره ۱۲۴)، خط بطلانی بر موروثی بودن حکومت و رد چندباره حکومتهای ظلم و فساد مذهبی و غیر مذهبی.

به بیان دیگر، حکومتخدا،حکومتمردمبرمردموبرایمردماستولاغیر.

… و باز شیطان، بواسطه شیادان دین فروش با ادعای ولایت فقیه و جانشینی خدا عوام ساده لوح را فریب و حکومت ظلم، فساد، دزدی، نفاق و جنایت دا بنیان نهاد (۴)

و خالق گفت وضع و حال هیچ قومی دا تغییر نمیدهم مگر باداره مردم هر قوم و ملتی مستحق حاکمانیست که بر انها فرمانروایی میکنند (رعد ۱۱) بدینسان سرنوشت هر ملتی بخودشان سپرده شد ،،

…. و داستان ادامه یافت، …پایانیبرجنگخداوشیطان،عقلوخرافات،نیکیوشرنیست.

… و حکومت اسلامی با اولین عوامفریبی و رؤیت بنیانگذار در ماه اغاز شد، بازار دین فروشی و گسترش خرافات رونقی تازه گرفت. بازدیدهای علمی از موزه ها و کارخانه ها تبدیل شد به بازدیدهای دوره ای از مقبره ها، امامزاده ها، … و شنیدن داستانهای تخیلی و رویاها و روایات جعلی و تعریف و تمجید مدفونین. …

تکثیر هزاران امامزاده خالی از جسد و بقعه هایی همه منقش به آیات قران، الفاظ عوامفریبانه ای چون فقیه، آیت ا..، زاهد، متقی، مردخدا، عارف، شیخ الاسلام، زادالعارفین، عالم معاصر، مردحق، دارای کرامات، شاگرد اهل بیت عصمت و طهارت …

و امروز با پیشرفت تکنولوژی و اینترنت، انتشار زندگینامه های خیالی برای باصطلاح مبلغین اسلام با همان الفاظ و جملات عوامفریبانه در فضای مجازی، ویکی پدیا، ویکی شیعه … زندگینامه های جعلی و جملاتی تقریبا مشابه چون “سپری کردن سالهای نخستین زندگی در خاندانی مشهور، کسب علم و تقوی و مجاهدت، رفتن به عتبات عالیات. تحصیل دروس فقهی در نجف یا کربلا، افزون بر شاگردی پدر بزرگوار بهره از محضر استادان بزرگ، شکل‌گیری و تکوین شخصیت علمی و معنوی در اثر زهد و مجاهدت، تربیت شاگردان بزرگ، تحصیل علم با ریاضات شرعیه و دست یابی به گنجینه‌ای از علوم و ملکات اخلاقی، شرکت تعداد زیادی از فضلا و دانشمندان در حوزه درسی، فعالیتهای گسترده در زمینه های سیاسی و اجتماعی، از جمله در مقابله با استعمار بابیت، بهاییت، انتقاد از شاهان، مکاتبات با شاهان و رهبران جهان، دارای تالیفات و آثار علمی و مذهبی عدیده، … “ ایا میتوان با القاب عوامفریبانه خدا را چون عوام ساده لوح فریب داد؟

و امروزه به پشتوانه صدور مدارک جعلی از دانشگاههای داخلی و خارجی، و با پرداخت میلیونها پوند به انگلستان، از سفره مردم گرسنه، عناوین جدیدی بالقاب قبلی اضافه شده، ایت ا.. دکتر مهندس ..، حجت الاسلام والمسلمین استاد فرهیخته دکتر مهندس … !!!

گسترش خرافات، تفدسمابیومقدسسازیهنروتنهارمزموفقیتحوزویان است و تحریک عوام ساده لوح نادان با اسم معصومو صدورفتویتنهاسلاحانان،و متاسفانه خرافاتباسممقدسات به عوام تلقین و عدم تفکر سبب باور ان میشود، و معصوم مهمترین و بهترین مجوز برای بستن دهان عوام و ادامه فساد و جنایت است. نه کسی تحقیق میکند، نه فرصت تحقیق وجود دارد و نه منبع معتبری برای دسترسی به واقعیتهای زندگی خصوصی افراد وجود دارد، چرا که تمام کتب و مقالات مربوطه باسم مقابله با دین ستیزی و تهاجم فرهنگی معدوم و نویسندگان آگاه قدیمی یا در زندانند یا در دیار حق و یا جلای وطن نموده اند. اینست دلیل شادی فقیهان و ادامه راه شیطان و گسترش خرافات، و انتشار زندگینامه های جعلی در ویکی پدیا … تاسفبارتر اینکه سرمایه های همین عوام گرسنه برای ابادی، مرمت و زیباسازی قبرستانها، بقعه ها و امامزاده ها صرف میشود.

فتاوایی که یک متخصص چشم پزشکی را با ترغیب به قتل عام مردم بیگناه سوریه به یک جنایتکار وحشی تبدیل کرده، و برای سرکوب قیام احتمالی مردم و حفظ نظام، دستور به “ایجادزلزلهمصنوعی” در برخی شهرهای کشور و شایعه قهر و عذاب خدا از گناه و ناشکری مخالفت مردم با ولایت، داده است. و عوام ساده لوح هنوز نفهمیده اند که “امیدواصلاحات” یعنی حفظ حکومت و ادامه نفاق، دروغ، فساد، دزدی، اختلاس و جنایت حتی با ویران کردن کشور و قتل هزاران بیگناه و اجیر کردن مزدوران ضد شورش از کشورهایی چون پاکستان، لبنان، بنگلادش، افغانستان برای سرکوب مردم، شاید ایرانی در کشتن هموطن خود درنگ نماید.

زمانییکه فرزندان فاسد ژن برتر رهبران شیاد اصلاح طلب بهمراه شرکای اختلاسگر اصولگرا در رفاه و ازادی سرزمین کفار با سرمایه های عوام به عیش و نوش مشغولند، فرزندان ژن معیوب عقب افتاده عوام ساده لوح در زندانها و قبرستانها ارمیده اند، و باز مضحکانه از داخل زندان پیام حمایت از “امید و اصلاح طلبی” میدهند!

و تکرار تجربه فریبکارانه اصلاح طلبی با ظهور مخالف نماهای جدید برنگ و شکل اصولگرایی رییس جمهور سابق، با اوج فحاشی و جنگهای زرگری، زندان و احتمالا در صورت نیاز وجوب اعدام برای حفظ نظام، زمینه سازی انتخابات اینده، شناسایی مخالفین واقعی، …

اطلاحاتواقعییعنی**:**

* محاکمه قاتلان مردم و جوانان بیگناه از دهه ۶۰ تاکنون
* ازاد شدن تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی
* محاکمه خواص اختلاسگر اصلاح طلب و اصولگرا و بازگرداندن کامل بیت المال و سرمایه های عوام مالباخته
* حذف کامل خرافات و قلکهای امامزاده ها، بقعه ها، …
* محاکمه فتوی دهندگان و مجریان اسید پاشی بصورت دختران معصوم برای حفاظت از تجارت دین

دریککلاماصلاحاتواقعییعنیحذفکاملفریبوخرافهایبنامولایتفقیهوفقیهان که همه چیز بواسطه فتاوا و با هدف گسترش فقر و نادانی و خرافه در کشور و اجبار عوام به حضور در مساجد، حسینیه ها، سخرانیها و راهپیماییها برای لقمه غذایی رایگان انجام میشود.

شاید نکاتی از زندگییکیازدههاهزارانبقعه ای که عوام بی تفکر با عجز و نابه تقاضای حاجت و واسطه گری خدا میکنند، سبب اگاه شدن خرافه پرستان شود، “شیخالاسلام” فقیهان، مباهاتوالگویحوزههایعلمیه**.**

شرحزندگی نامبرده در ویکی پدیا و …مشابه سایرین میباشد:، “مقبرهآقانجفی ملقب به شیخالاسلام”،

“شیخالاسلامآیتا**…** محمِد تقی مسجد شاهی اصفهانی معروف به آقا نجفی متولد ۱۲۶۲ هـ ق در اصفهان و متوفی به سال ۱۳۳۲ ه ق؛ از روحانیان مشهور، ثروتمند و پر قدرت اواخر دوره قاجارست که پس از بازگشت از نجف و کسب فیوضات معنوی و پیمودن راه طریقت و سلوک به آقا نجفی معروف شد. دارای سابقه تحصیل در مبانی شریعت و طریقت, افتخار شاگردی اساتیدی بزرگی همچون خود را در کارنامه دارد، و مدتی با گوشه‌نشینی و ریاضت و تزکیه نفس به کسب فیض از اساتید عرفان حوزه حضرت حاج سیدعلی شوشتری مشغول بوده، تا آنکه بنا به اظهار خودش در عوالم جذبه و خلسه اوامر حضرت مهدی (ع) مشعر بر مراجعت به اصفهان جهت پاسداری از مبادی اسلامی و اجرای حدود شرعی به وی ابلاغ میشود! و زندگی خود را صرف استحکام پایه‌های ریاستمذهبیجهاناسلام، اجرای حدودشرعی و تربیت شاگردان بزرگی چون خود و اساتیدش میکند“.

و اما واقعیتهای پنهان از عوام ساده لوح:

همچون همه فقیهان، خرابکردنمراکزعلمی،مدرسهتازهتاسیسدولتی بفتوای آقانجفی و بدست مردم خرافه پرست از جمله راههای گسترش خرافات و موفقیت او بود بطوری که گویند شعار مردم نادان چنین بوده است:

ای آقای ما سرور ما مدرسه حرومس ای رهبر ما در بر ما مدرسه حرومس (۵)

همکاری و دسیسه پنهانی اقانجفی با حاکمان وقت اصفهان در بالا بردن مالیات باعث شد تا عوام بدبخت که توان پرداختهای سنگین خراج زمینهای کشاورزی را نداشتند، برای در امان بودن از مصادره اموالشان، ملک خود را به رایگان به شیخ الاسلام واگذار نموده و بعنوان کارگر و کشاورز حقوق بگیر ساده بر روی زمینهای خود کار کنند. جنین بود که اقانجفی از ملاکان و زمینخواران بزرگ اصفهان شد.

اکثر پسران وی از جمله آقا جلال مسجد شاهی معروف به عمده ‌المحتکرین از محتکرین درجه اول زمان خود و همانند پدر مشهور به ما‌ل‌اندوزی و قدرت‌مداری و کم‌سوادی، در جریان وقوع قحطی بزرگ سال‌های مقارن و سنوات قبل و بعد از جنگ جهانی اول در شمار محتکران سرشناس اصفهان بوده اند.

گویند “محصول غلّه املاک وسیعش واقع در نواحی دشتین و خاتون‌آباد اصفهان را در انبار غلّه نه گنبد یزد پنهان ساخته بود ولی در پی اقدامات حاج میرزا محمِد جعفر خوانساری کشف شد. متاسفانه چندی بعد از این واقعه مردمی که عازم بازار بودند، در صبح‌گاهی پیکر خون آلود حاج میرزا محمد جعفر خوانساری را وارونه بر سر در قیصریه که مدخل بازار شاهی است آویزان دیدند. همه میدانستند ارتکاب این جنایت هولناک ناشی از تحریک و دستور آقا نجفی است” (۵).

فرزندان آقا نجفی نیز در دزدی، فساد، احتکار، نفاق و صدور فتوا و اجرای باصطلاح احکام خدا جهت قدرت نمایی، دنباله رو پدر بوده اند، بطوری که روایت است قتوا داده اند موی سر بلند مردم را بریده و سرشان را میتراشیدند، و ملایان متشرع با دریافت مبلغی صیغه توبه خوانده و طلب آمرزش میکردند!

کرامات و معجزات متعدد آقانجفی بسیار معروف میباشد. گسترش خرافات بحدی بوده که عوام برای شفا و قضای حاجات، فاضلاب و منجلاب حمام شیخ، را نوشیده و به سر و صورت میمالیده اند. و امروز، خوردن اب دهان و لقمه های جویده شده برخی اساتید حوزه و دراویش توسط مریدان نادان.

بنا برعرف، گاهی از سایر اقلیتهای مذهبی بالاخص هموطنان ارمنی کمک گرفته میشده است. مشهورست کرامات «آواک» ارمنی و چشم و دست شفا و غیبگویی او بواسطه حضور در بیت آقا، و بدنبال آن رجوع عوام نادان باو برای حصول حوایج جسمانی و روحانی. متاسفانه همکاری و حمایت برخی اقلیتهای مذهبی برای اثبات خرافات فقیهان غیر قابل انکار است، چنانچه امروزه نیز هر از چندگاهی خبر شفای یک ارمنی بواسطه توسل به ابوالفضل و خوردن غذای عزاداری نقل مجالس روضه و مداحیها میشود. فراهم شدن مشروبات الکلی توسط برادران قاچاقچی فرماندهی سپاه و اجازه راهپیمایی در پایتخت برای کشتار ارمنه از عوامل مهم نمکگیر شدن هموطنان ارمنی داخل و خارج کشورست.

خلق قدمگاه و تایید اقانجفی و سایر فقیهان در سراسر کشور از دیگر تجارتهای پرسود بوده است. حجاران هندی در بمبئی نقش جای پائی بزرگتر و متفاوت‌ از پاهای معمولی را بر سنگ‌ها تراشیده و به تاجران ایرانی‌ فروخته که با سوء‌استفاده و بهره‌گیری از سادگی و عقاید خرافی مردم به ساختن قدم‌گاه‌ها و کسب درآمد می‌پرداختند. به این ترتیب در شهر اصفهان و حوالیش قدم‌گاههای متعددی ساخته شده بود (سکویی مقابل اداره پستخانه سابق در بازار مسگرهای اصفهان). مردم نیازمند گرفتار با توسل و نذر و نیاز از قدم‌گاه‌ها حاجت می‌طلبیدند و انتظار گشایش داشتند.(۵)

از جمله معجزه های مضحک و غیرشرعی تایید کرامات “سیدتف” توسط اقانجفی و برخی فقیهانست «اعلام میشود آب دهان سیدی فلج رعشه ای، از بستگان فقیهی بنام مرحوم آیت‌‌الله مدیثه‌ای شفاست. مردم او را در تاکسی نشانده به خانه خود می‌برند و او آب دهان را به مریض می‌اندازد و من‌جمله بعضی از زن‌ها که از شوهر خود اولاد پیدا نکرده‌اند به او اعتقاد پیدا کرده و سید را برده‌اند به خانه و با حضور شوهرشان آب دهن سید را به اطراف ناف خود می‌مالند. همچنین سید زبان خود را به بدن آنها مالش می‌دهد!» (۵)

از مهمترینکراماتومعجزاتی که لازم بود بجهت اهمیت موضوع دربیتخودحضرتآقاوبرایفرزندگرانقدرشان اتفاق بیافتد و بیانیه ای نیز در این مقوله از بیت معظم له صادر شد، شایعه ظهور معجزات پیاپی از هارون‌ ولایت (۶) اصفهان و شفای بیماران کر و کور و لال و معلول در سال ۱۳۲۹ هجری قمری بود. معجزه و دسیسه ای که با تمهید نمایندگان دولت باصطلاح فخیمهانگلیس صورت گرفت!

گویند که در آن ایام کارخانه**‌** هایشمع**‌**سازیمؤسساتتولیدیتجاریکمپانیهندشرقی در اصفهان به واسطه باب شدن چراغ‌های نفتی و استعمال نفت سفید با رکود و ورشکستگی روبرو شد. صاحبان انگلیسی کمپانی درصدد برآمدند بازار مصرف شمع را به صورت مصنوعی گرم کنند. بهترین کار برای حصول مقصود ظهور معجزات از اماکن مقدسه محلی بود که عوام نادان باسم زائران اماکن متبرکه با روشن کردن شمع و نذورات زیارت میکنند. لذا شایعه ظهور معجزات پیاپی از هارون‌ ولایت اصفهان با گواهی رسمی بیت و شفای بیماران در گوشه و کنار شهر و روستاهای اطراف توسط مباشران محلی کمپانی انگلیسی منتشر شد. بنا برانتظار، استقبال روزانه هزاران نفر از مردم ساده دل خوش‌باور به قصد زیارت و روشن کردن شمع و گرفتن حاجت بسیار چشمگیر بوده بطوری که کارخانه شمع‌سازی ورشکسته کمپانی هند شرقی انگلستان علاوه بر رهائی از ورشکستگی، مقادیر قابل توجهی نیز سود کرد. گویند اهالی محلات در روشن کردن شمع و گرم کردن بازار سقاخانه**‌**ها،بقعهها و امام**‌**زاده**‌**ها بر هم سبقت می جستند و بر شمار شفایافتگان محله‌ها و مصرف شمع افزوده میشد. شهر اصفهان بمدت شش ماه شبانه روز چراغانی شد. عوام فوج فوج از هارون ولایت حاجت می‌طلبند. طناب و ریسمان کلفت و باریک به یکدیگر می‌بندند تا به کسیکه به ضریح بسته شده بود وصل شوند.

با توجه به انکه همه میدانستند آقانجفی فرزند علیل و بیماری نداشته و بدنبال اعتراض برخی لز اگاهان، بنا بر عرف حوزویان، اعلام میشود که منکرمعجزاتمنکرودشمنامامزمان وائمهعصمتوطهارتاست.

بعدها فاش میشود که سادات مخفیانه الکل یا فسفر را شبانه بالای گنبد هارون ولایت می‌برند. روشن می‌کنند. با دیدن نور صدای ضجه زن و مرد بلند می‌شود. که نور آمد! نور باران شد!

گواهیآقانجفیدرظهورمعجزات **(**۵**):**

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

از جمله کرامات با هرات که از برکات حضرت باب‌الحوائج موسی‌بن جعفر صلوات‌الله و سلامه علیهما از مرقد منور حضرت هارون ولایت علیه‌السلام ظهور یافته نورچشمی بنده‌زاده قریب یک ماه مبتلا به سه مرض بود یکی مرض حسبه مطبقه [به جای حصبه مطبقه] و یکی قولنج و یکی نوبه ضعف‌دار و دو نفر از اطبا او را جواب دادند و مأیوس از شفا شدم تا آنکه شب جمعه آخر شهر رمضان‌المبارک سال ۱۳۲۹ که به زیارت حضرت امام‌زاده مشرف شدم، این طفل همراه این بنده بود. استشفا نمودم و حاضرین در حرم مطهر که اطراف ضریح بودند دعا نمودند آثار شفا ظاهر شد و الآن در کمال صحت و سلامت است و این کرامت به مرتبه عین‌الیقین رسیده است من اقل‌الطلاب محمدتقی عفی‌الله عن جرائمه محمد تقی‌بن محمد باقر.

نکته اینجاست که همه کرامت و معجزات بمدت شش ماه دوام داشت! همینکه حاج خسروخان سردار ظفر به حکومت اصفهان منصوب گردید، متولی‌باشی هارون ولایت را احضار کرد و گفت بعد از این هارون ولایت، اگر بخواهد معجزه یا کرامت کند اول باید کور و فالح را بیاورید من ببینم و بعد آنها را ببرید برای شفا یافتن اگر شفا یافتند من هم معتقد می‌شوم و اگر به همان حالت که هستند، باقی ماندند، جل و پوست تو را از این شهر بیرون می‌ریزم. از این رو هارون ولایت دیگر به کلی معجزه نکرد و یکی از مهمترین راههای تجارت حوزه های علمیه بسته شد»

پس از عمری شیادی، نفاق، دروغ، فساد، اختلاس، احتکار و جنایت باسم اجرای احکام خدا که همه عوام از ان باخبر بودند، دفتر این فقیه نیز بسته شد، و عوام ساده لوح، فراموشکار، خرافه پرست و همیشه درصحنه، همه چیز را فراموش کردند، بازارها تعطیل ، عزاداری و سینه زنی و مداحی و نوحه …

گویند: مدت یک هفته تمام بازارها تعطیل شد. مردم علاوه بر آنکه نوحه می‌خواندند، سینه هم می‌زدند، زنجیر هم می‌زدند، سنگ هم می‌زدند (۷)، قمه هم می‌زدند. دو نفر قمه‌زن خود را کشتند. دو نفر در چاه افتادند.

دیدی که فلک به ما چها کرد

شوریده ملایک در ماتم آقا (۵)

بعد از فوت فاش شده که دارای سه زن عقدی، چندین زن صیغه‌ای، شش پسر، هفت دختر و تعداد زیادی نوه و نبیره فقط از زنان رسمی بوده است.

دهه۶۰معجزهمشابهیدرمبارکهاصفهان، و شایعه بیرون امدن نور از تنور و شفای صاحبخانه نقل تمام مساجد شد، حوزویان با ذکر دعا و صلوات “مبارکه واقعا مبارکه است” مردم را بزیارت و گرفتن حاجت فرا میخواندند. بالاخره پس از چندین ماه جمع اوری مبالغ هنگفت نذورات، طلا و جواهرات عوام نادان توسط شیادان اعلام شد توطیه دشمن بوده است!

متاسفانهخرافاتدرعمقوریشهعوامنفوذکردهواعتقاداتعوامسادهلوح،تقلیدیوبی**‌**تعقّلاستوهمیشهبازیچهسوء**‌**استفاده**‌**هاوحقه**‌**بازی**‌**هایمدعیاندینیبودهاند**.**

کسانی که در طول تاریخ با شجاعت درصدد مبارزه با خرافات و رسوا کردن بساط شیادی دین فروشان برآمده و جهت آگاهی عوام تلاش نموده اند، بنحوی توسط حوزه های علمیه مهار شده، با عناوینی چون سگهای نجس و توهین کنندگان به مقدسات، بجرم کفرگویی و دشمنی خدا، پیامبر و دین، تکفیر و مورد حمله، تهدید و سوء قصد قرار گرفته و یا جلای وطن نموده اند. چرا که بازاردینوخرافاتپرسودترینوراحتترینتجارتهاست**.**

معروف است گریه امیرکبیر ازجهلونادانیعوامزمانخویش**.** کهبا تحریک ملایان، فالگیرها و دعانویس‌ها حاضر به پرداخت پنج تومان جریمه و مرگ فرزندانشان بردند ولی از زدن واکسن به فرزندانشان بعلت راه ‌ورود جن به خون انسان خودداری میکردند.

امیر با صدای رسا گفت: مسئولجهلعوامماهستیم**.** اگرمادرهرروستاوکوچهوخیابانیمدرسهبسازیموکتابخانهایجادکنیم،ملایانودعانویس**‌**هابساطشانراجمعمی**‌**کنند**.** تمامایرانی**‌**هااولادحقیقیمنهستندومنازاینمی**‌**گریمکهچرااینمردمبایداینقدرجاهلباشند.

و عوام هنوز بدنبال موجوداتی هستند با شکلوظاهروپوششیعجیبوغریب برای توسل، قضای حاجات، رسیدن بخدا و شفاعت ورود بهشت و هم اغوشی با حوری و قلمان. و چنین شد که سادهلوحان،خرافهپرستانوعقلناباورانراعوام نامیدند، و شیادان،اختلاسگرانودزدان،ریاکارانودروغگویان،فاسدانوجنایتکارانراخواص. و حقیقتتلخاینستکهعوامبدونتفکردرپیکسبمقامخواصند**.**

رحمتخدابرحافظ**:**

سالهادلطلبجامجمازمامیکردوانچهخودداشتزبیگانهتمنّامیکرد

گوهریکزصدفکونومکانبیروناستطلبازگمشدگانلبدریامیکرد

فیضروحالقدساَربازمددفرمایددیگرانهمبکنندآنچهمسیحامیکرد

دکترحمیدرضاقضاوی

واشنگتندیسی

۲مرداد۱۳۹۶

**Aug. 02 / 2017**

توضیحات:

(1)Martin Fussenegger, Professor of Biotechnology and Bioengineering at the Department of Biosystems (D-BSSE) in Basel

(۲) اولی الامر یا صاحبان حکم و امر یا حاکمان، حکومت از واژه حکم (امر) گرفته شده بمعنای منع و جلوگیری از ظلم و ستم (معجم مقابیس اللغه ج ۲، ص ۹۱) و حاکم کسی ست که ستمگر را از ستمگری باز دارد و جلوی ظلم را بگیرد (لسان العرب ج ۳، ص ۲۷۰).

هیچ آیه ای مبنی بر میراثی بودن حکومت و توصیه یا الزام اطاعت از باصطلاح رهبران مذهبی وجود ندارد، و در ایات متعددی همچون فرزند نوح، قاطعانه آنرا رد کرده و او را بعلت الوده شدن به فساد مستحق عذاب میداند. خداوند گاهی به خلع و عذلب فرستادگانی اشاره میکند که پس از مدتی براه شیطان رفته و به فساد آلوده شده اند.

(۳) و براساس تفسیر مفسر بزرگ قران مرحوم علامه طباطبایی، کفر به طاغوت تنها با قلب حاصل نمیشود بلکه نیازمند به رویارویی عملی و مبارزه با آن است

(۴) علامه طباطبایی (ره) در رد قاطع حکومت فقیهان و فریب عوام با تلقین خرافه ای بنام ولایت فقیه، مشابه ولایت پاپ قرون وسطی چنین میگوید: ایه شریفه (نساء ۵۹) در مقام اینست که حکم ولی امر مصیب است و خطا در آن راه ندارد و روشن است که فقیه گاهی حکم خلاف واقع استنباط میکند و بان فتوی میدهد لدا حکم واقعی جعل میشود.لذا فقها را شامل نمیشود.

(۵) منوچهر برومند

(۶) هارون ولایت آرامگاهی است که در محله میدان کهنه اصفهان، در مجاور خیابان هاتف واقع است. برخی از علماء امامیه آنرا مدفن یکی از اعقاب حضرت هادی و عده‌ای آنجا را مرقد احدی از اولاد حضرت موسی بن جعفر دانسته‌اند. بعضی نیز آرامگاه روات و محدثین و گروهی مقبره اخیار یهود معرفی کرده‌اند. بقعه هارونیه و رواق مجاورش و نیز مسجدی که در مقابلش قرار دارد از ابنیه زمان شاه اسماعیل اول است. به واسطه آنکه جماعت یهودی ساکن اصفهان نیز آن مکان را مقدس و مدفن هارون نامی از اجلّه اقطاب بنی‌اسرائیل می‌دانند، به منظور تسهیل زیارت آنان میان یکی از دیوارهای بیرونی عمارت‌ هارونیه که در مقابل مسجد علی واقع است، از قدیم پنجره‌هائی آهنین نهاده‌اند، تا کلیمیان نیز بتوانند بدون آنکه وارد زیارتگاه شوند از پشت پنجره به زیارت و ذکر اوراد مبادرت ورزند (۵)

(۷) سنگ‌ زدن عبارت بود از دو قطعه چوب تراشیده گرد درست به قدر چوب مدوری که روی آن قند می‌‌شکستند و پشت آن چوب تسمه چرمی است که دست‌ها را در آن جا می‌‌دادند و بهم می‌زدند. این اشعار در دستگاه سه‌گاه یادگار آن زمان است(۵).